شهید محمد ملونی در تاریخ 12 اردیبهشت 47 در شهر همدان چشم به جهان گشود. وی تحصیلات خود را تا چهارم متوسطه به اتمام رساند و از طرف سپاه به جبهه اعزام شد و به عنوان رزمنده به ایفای مسئولیت پرداخت. شهید ملونی در تاریخ 7 اسفند 65 در شهر خرمشهر در اثر اصابت ترکش دشمن بعثی به فیض شهادت نائل آمد. اکنون پیکر پاکش در گلزار شهدای شهر همدان آرام گرفته است.

آنچه می‌خوانیم وصیت‌نامه شهید محمد ملونی است:

«بسم الله الرحمن الرحیم»

با سلام و درود به پیشگاه آقا امام زمان(عج) و نائب برحق ایشان امام خمینی. پس از حمد خداوند باریتعالی که این توفیق را به بنده حقیر خود داد که جزء سربازان امام زمان(عج) باشم از شما می‌خواهم که خدای بزرگ را شکر کنید که در این برهه از زمان زندگی می‌کنید، کشور ما کشور آقا امام زمان(عج) است باید قدر این امام را بدانید و همیشه پیرو پیر جماران باشید که راه ایشان راه اسلام و سعادت است، برای امام رزمندگان اسلام و مسلمین دعا کنید.

چرا در این وقت حساس از زندگیم به جبهه آمدم؟ اما من درس و کلاس را رها کردم تا با شهادت خود به همکلاسی‌هایم بفهمانم که در کجا هستند و بدانند برای چه درس می‌خوانند، از دوستانم می‌خواهم که با تمام قدرت به دنبال علم باشند، اما این علم همراه با فعالیت در انجمن اسلامی، بسیج باشد که علم اگر همراه ایمان باشد مفید واقع می‌شود.

نه ایمان تنها به درد می‌خورد و نه علم تنها، علم و ایمان برای یک فرد مسلمان به مانند دو بال پرنده‌ای است که انسان را به آسمان‌ها می‌برد و علم و ایمان همراه یکدیگر، یک مسلمان را به عرش اعلی می‌رساند.

همیشه سعی کنید که همه اعمال و کارهایتان برای رضای خدا باشد هر کسی که برای رضای خدا کار ‌کند اگر سخت‌ترین کارها هم باشد خسته نمی‌شود. اما شما شاگردان مکتب امام زمان(عج) برادران شما وظیفه‌تان بسیار سنگین است زیرا آینده انقلاب با شما نونهالان است که باید با قرآن انس بگیرید و فردای انقلاب را با قوانین و احکام نشأت گرفته از قرآن بسازید.

وقتی که صبح‌های جمعه دعا می‌کنید برای پیروزی رزمندگان و برای آزادی آن اسرایی که فرزندانشان همسن شما هستند دعا کنید. اما پدر و مادرم خوب می‌دانید که من امانتی بیش پیش شما نبودم و خداوند مرا به دست شما سپرد که به وسیله من شما را امتحان کند و هم اکنون خداوند مرا به میهمانی خود دعوت کرده است، بایستی بروم و از شما می‌خواهم که هر گاه جنازه مرا دیدید به یاد پیکر پاره پاره و مظلومیت امام حسین(ع) گریه کنید.

زمانی که امام حسین(ع) شهید شد کسی نبود تا او را غسل دهد و کفن کند و هر گاه خواستید بر سر مزار من بیایید بر سر مراز آن شهدای گمنام بروید برای آنها گریه کنید چرا ه کسی نیست برای آنها گریه کند و هر گاه خواستید که بر سر مزارم گریه کنید به یاد مزار بی‌زائر فرزند فاطمه(س) گریه کنید.

مادرم هیچگاه در شهادت من بی‌تابی از خود نشان ندهید چراکه دشمنان اسلام شاد می‌شوند در آن هنگام که دلتان می‌شکند برای ظهور آقا امام زمان(عج) سلامتی امت، پیروزی رزمندگان اسلام و آزادی اسرا دعا کنید.

مادرم همیشه به فکر فاطمه زهرا(س) باش که هم همسر شهید بود و هم مادر شهید، از شما خواهرانم می‌خواهم که زینب‌وار پیام مرا برسانی و از دیگر خواهرانم بخواهید که حجاب اسلامی خودشان را کاملاً حفظ کنند.

از شما پدر و مادرم طلب حلالیت دارم از شما که مرا بزرگ کردید و به خاطر من سردی و گرمی دنیا را تحمل کردید. شما بودید که مرا با قرآن، اسلام و انقلاب آشنا کردید و دست مرا به پرچم امام حسین(ع) رساندید و آخر هم مرا به راه امام خمینی هدایت کردید تا انتقام خون حسین(ع) را بگیرم.

مادرم شما بسیار حق به گردن من دارید، حلالم کنید و دعایم کنید که در آخرت با امام حسین(ع) محشور شوم.

از شما برادران و خواهرم طلب حلالیت دارم، از اقوام و آشنایان می‌خواهم که مرا حلال کنند و اگر اخلاق و برخورد زشتی از من دیدند ببخشند. شما دوستان، همکلاسی‌ها و معلمان می‌خواهم که مرا حلال کنید.

معلمان عزیزم عاجزانه می‌خواهم که دانش‌آموزان را طوری درس دهید که مشکل‌گشای فردای انقلاب باشند نه سدی در راه انقلاب.

از دوستان می‌خواهم که با اخلاق خوب برخورد کنند و قدر این انقلاب را بدانند و همیشه در فکر جبهه و جنگ باشند که مسئله اصلی کشور جنگ است و نیز این را بدانید که همه ما باید فدای اسلام شویم، پیرو امام باشید و یک لحظه از خط امام واقعی جدا نشوید.

انتهای پیام/89047/ 40